

تأثیر محافظه کاری بر پیش بینی های مدیریت از سود

غلامحسین اسدی^۱، مرتضی بیات^۲

چکیده: پژوهش حاضر ارتباط گزارشگری مالی محافظه کارانه با پیش بینی سود مدیریت را بررسی می کند. در این پژوهش داده های ۷۶ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، برای سال های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۰ جمع آوری شدند و با استفاده از تحلیل ضرایب رگرسیون فرضیه های پژوهش آزموده شدند. اندازه گیری محافظه کاری به کمک مدل های گیولی و هاین (۲۰۰۰)، باسو (۱۹۹۷) و معیار MTB انجام گرفت و سپس به بررسی تأثیر محافظه کاری مدیریت بر پیش بینی سود پرداخته شده است. شواهد تجربی نشان می دهد، محافظه کاری با تعداد دفعات پیش بینی سود از سوی مدیریت دارای رابطه منفی و معنادار است. به گفته ای، با افزایش میزان محافظه کاری مدیران، آنها تمایل کمتری برای افزایش پیش بینی های خود دارند. اما بین محافظه کاری با دقت پیش بینی رابطه ای مشاهده نشد. همچنین نتایج پژوهش نشان می دهد، بین محافظه کاری (با استفاده از مدل باسو و معیار MTB) با اعتبار پیش بینی سود، رابطه منفی و معناداری وجود دارد. به گفته دیگر با افزایش سطح محافظه کاری، خطای پیش بینی سود مدیریت کاهش می یابد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

واژه های کلیدی: اعتبار پیش بینی، دفعات پیش بینی، دقت پیش بینی، محافظه کاری.

۱. استادیار، حسابداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

۲. کارشناس ارشد حسابداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۰۷/۰۷

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۲/۱۲/۲۱

نویسنده مسئول مقاله: مرتضی بیات

E-mail: shahenbayat@yahoo.com

مقدمه

اطلاعاتی که مدیران در اختیار بازار سرمایه می گذارند، همواره منابع مهم اطلاعاتی به شمار می روند. برخی از این اطلاعات، برآوردها و پیش بینی سودهای آتی شرکتها هستند که در فواصل زمانی مختلف در اختیار بازار سرمایه قرار می گیرند؛ به طوری که امروزه پیش بینی و افشای مدیریت از سود، مهم ترین منبع اطلاعاتی سرمایه گذاران و تحلیل گران شمرده می شود، ولی چون تهیه و ارائه اطلاعات مالی برعهده مدیران است و آنان در برآوردها آزادی عمل دارند و می توانند قضاوت های شخصی خود را در این برآوردها دخالت دهند، این انگیزه در آنها ایجاد می شود که با افشای خود، بازار را تحت تأثیر قرار دهند (خوش طینت و اکبری، ۱۳۸۷). بازار سرمایه و نقش آن در تخصیص منابع بسیار مهم است. زمانی که تصمیمات در بازار سرمایه بر اساس بهترین و قابل اتکاترین اطلاعات اخذ شود، خودبه خود زمینه تخصیص بهینه منابع فراهم خواهد شد. از مهم ترین منابع اطلاعات در بازار سرمایه، اطلاعات و پیش بینی هایی است که مدیران شرکتها به بازار عرضه می کنند. موارد افشاشده مدیریت، منبع ارزشمند و پنهانی از اطلاعات برای سرمایه گذاران تلقی می شوند. سرمایه گذاران برای تصمیم گیری نسبت به سرمایه گذاری در شرکت (خرید سهم یا قرض دادن)، از اطلاعات مختلفی استفاده می کنند. تصمیم گیری سرمایه گذاران معمولاً بر اساس اطلاعاتی درباره محیط رقابتی شرکت، چشم انداز آتی شرکت و اطلاعات صورت های مالی آن شرکت انجام می گیرد (جنینگز، ۱۹۸۷).

مطالعات اخیر حاکی از این مطلب است که سودهای حسابداری، محافظه کارانه هستند. به گفته دیگر سودها تمایل دارند اخبار بد (بازده منفی سهام) نسبت به اخبار خوب (بازده مثبت سهام) به موقع تر گزارش شوند (باسو، ۱۹۹۷). تسریع در شناسایی اخبار بد می تواند برانگیزه مدیریت تأثیرگذار باشد و مدیران هزینه های آتی دعاوی را در پیش بینی سود خود در نظر گیرند. همچنین پژوهش های تجربی نشان داده است که رویه های حسابداری، محافظه کارانه هستند و طی سی سال این رویه ها محافظه کارانه تر شده اند (واتز، ۲۰۰۳). ممکن است محافظه کاری با جایگزینی گسترده اطلاعات نامتقارن بین مدیران و ذینفعان، بر استراتژی پیش بینی سود تأثیرگذار باشد، محافظه کاری با تسریع در افشای اخبار بد مربوط به سود، محدوده اطلاعات نامتقارن را کاهش می دهد. یکی از راه های کاهش اطلاعات نامتقارن بین مدیران و ذینفعان، افزایش در دقت و دفعات پیش بینی های سود است (لافوند و واتز، ۲۰۰۸).

به طور کلی می توان چنین نتیجه گرفت که انتخاب رویه های حسابداری محافظه کارانه، می تواند اعتبار نتایج گزارش شده حسابداری را افزایش دهد؛ زیرا سرمایه گذاران و اعتباردهندگان، احتمالاً تمایل های میانه رو مدیران را در انتخاب روش های حسابداری محافظه کارانه برای خوش بینی در

تهیه گزارش‌های مالی، مشاهده می‌کنند. از این رو مطالعه معیارهای حسابداری محافظه‌کارانه با پیش‌بینی‌های اختیاری مدیریت، از اهمیت بیشتری برخوردار می‌شود.

با توجه به اینکه پیش‌بینی سود حسابداری و تغییرات آن یک رویداد اقتصادی است که از دیرباز علاقه سرمایه‌گذاران، مدیران، تحلیلگران مالی، پژوهشگران و اعتباردهندگان را به خود جلب کرده و از مهم‌ترین منبع اطلاعاتی سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و سایر استفاده‌کنندگان، به‌ویژه در بورس اوراق بهادار شمرده می‌شود (ملکیان، احمدپور، رحمانی نصرآبادی و دریایی، ۱۳۸۹) و از سوی دیگر در حسابداری، محافظه‌کاری یکی از ویژگی‌های برجسته گزارشگری مالی است که بر مفیدبودن اطلاعات حسابداری تأثیر می‌گذارد و همچنین در سال‌های اخیر بیش از پیش به آن توجه شده است، بنابراین انتظار می‌رود حسابداری محافظه‌کارانه از طریق تأثیرگذاری بر پیش‌بینی‌های سود مدیریت، براساس دیدگاه لافوند و واتز (۲۰۰۸) بر کاهش عدم تقارن اطلاعاتی تأثیرگذار باشد. از این رو پژوهش حاضر درصدد پاسخ‌گویی به این پرسش است: آیا پیش‌بینی سود مدیریت تحت تأثیر محافظه‌کاری قرار می‌گیرد؟

پیشینه پژوهش

محافظه‌کاری و پیش‌بینی سود

باسو (۱۹۹۷) محافظه‌کاری را این‌گونه تعریف کرده است: گرایش حسابداری به‌الزام، داشتن یک درجه قابل تأییدتر برای شناسایی اخبار خوب (همانند سودها) در مقابل شناسایی اخبار بد (همانند زیان‌ها). همچنین محافظه‌کاری را می‌توان انتخاب یک راهکار حسابداری تحت شرایط عدم اطمینان دانست که درنهایت به ارائه کمتر دارایی‌ها و درآمدها بیانجامد و کمترین اثر را بر حقوق صاحبان سهام داشته باشد (گیولی و هاین، ۲۰۰۰). پیش‌بینی سود حسابداری و تغییرات آن، یک عامل تأثیرگذار بر تصمیم‌گیری‌های اقتصادی است که از دیرباز مورد علاقه استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی بوده است. سهامداران برای اتخاذ تصمیم‌های صحیح و مناسب، نیازمند اطلاعاتی سودمند هستند. در میان اطلاعات موجود، اطلاعات مربوط به سود هر سهم و سود سهام پیش‌بینی‌شده، مقیاس‌هایی هستند که از نظر بسیاری از استفاده‌کنندگان با اهمیت و مربوط تلقی شده و در تصمیمات خود از آنها استفاده می‌کنند. پیش‌بینی سود هر سهم نقش مهمی در ارزیابی شرکت‌ها دارد. باسو (۱۹۹۷) و لافوند و واتز (۲۰۰۸) بر این باورند که استفاده از محافظه‌کاری، عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سرمایه‌گذاران را از طریق افزایش قابلیت اطمینان سود گزارش‌شده، کاهش می‌دهد، در نتیجه بر اعتبار سود پیش‌بینی‌شده مدیریت اثر مثبت می‌گذارد. محافظه‌کاری با

تسریع شناسایی اخبار بد در سود، قابلیت اعتماد گزارشگری سود را افزایش می‌دهد. با تسریع در افشای اخبار بد مربوط به سود، محدوده اطلاعات نامتقارن کاهش می‌یابد.

گاهی محافظه‌کاری با جایگزینی گسترده اطلاعات نامتقارن بین مدیران و ذینفعان، بر استراتژی پیش‌بینی سود تأثیر می‌گذارد (لافوند و واتز، ۲۰۰۸). یکی از راه‌های کاهش اطلاعات نامتقارن بین مدیران و ذینفعان، افزایش دقت و دفعات پیش‌بینی‌های سود است؛ بدین صورت که هرچه دقت و دفعات پیش‌بینی سود افزایش یابد، از عدم تقارن اطلاعاتی کاسته می‌شود. تغییر در اطلاعات مالی در اثر محافظه‌کاری، بر سود گزارش‌شده تأثیرگذار است، از این رو معیارهای حسابداری محافظه‌کارانه، می‌تواند بر دقت و دفعات پیش‌بینی مدیریت اثربخش باشد. دقت و دفعات پیش‌بینی‌های مدیریت، به اندازه محافظه‌کاری مدیر بستگی دارد؛ بدین ترتیب که با افزایش محافظه‌کاری، مدیران کمتر تمایل دارند که پیش‌بینی‌هایی را درخصوص وضعیت فعلی و آتی شرکت انجام دهند که به تبع آن، دقت پیش‌بینی‌ها کاهش می‌یابد. از سوی دیگر ممکن است رابطه بین محافظه‌کاری و تصمیم‌گیری پیش‌بینی سود مدیریت، مربوط به قرار گرفتن درمقابل قانون باشد (اسکینر، ۱۹۹۴).

مطالعات اخیر محافظه‌کاری را براساس ماهیت، به دو نوع شرطی و غیر شرطی تقسیم می‌کنند. براساس تعریف بال و شیوا کومار (۲۰۰۵)، محافظه‌کاری شرطی (یا مربوط به گذشته یا تابع اخبار) عبارتست از تأکید زیاد بر شناسایی به‌موقع زیان. بر اساس این نوع محافظه‌کاری، کاهش سودهای حسابداری، منعکس‌کننده یک زیان اقتصادی همزمان است. استانداردهای حسابداری، محافظه‌کاری شرطی را الزامی کرده‌اند؛ یعنی شناخت به‌موقع زیان در صورت وجود اخبار بد و نامطلوب و عدم شناخت سود درمواقع وجود اخبار خوب و مطلوب. برپایه تعریف بال و شیوا کومار (۲۰۰۵)، محافظه‌کاری غیرشرطی (یا مربوط به آینده یا مستقل از اخبار) نیز یعنی، تمایل حسابداری به‌سمت گزارشگری حداقل ارزش‌های دفتری حقوق صاحبان سهام. بیور و رایان (۲۰۰۵) معتقدند که انتخاب روش‌ها و سیاست‌های حسابداری که سودها و ارزش دفتری خالص دارایی‌ها را مستقل از اخبار اقتصادی کاهش دهد، محافظه‌کاری غیر شرطی محسوب می‌شود. درواقع می‌توان گفت محافظه‌کاری شرطی برای جلوگیری از خوش‌بینی مدیریت است، اما اندازه‌گیری محافظه‌کاری غیر شرطی سختی در اندازه‌گیری برخی دارایی‌ها به‌دلیل اندازه‌گیری مشکل منافع آتی است. انگیزه اصلی برای محافظه‌کاری مشروط، خنثی کردن انگیزه‌های مدیران برای گزارشگری اطلاعات حسابداری جانبدارانه رو به بالا است که هنگام رویدادهای نامناسب اتفاق می‌افتد. هر دو نوع محافظه‌کاری (شرطی و غیرشرطی) اهداف یکسانی را دنبال می‌کنند، مانند استفاده از قراردادهای کارا، حداقل کردن هزینه‌های نمایندگی و حداقل کردن مالیات یا هزینه‌های قانونی. همچنین به

حسابداران و قانون‌گذاران توانایی می‌دهد تا در صورت وقوع بی‌ثباتی اقتصادی، اثرات آن را به حداقل رسانده و از انتقادات در امان باشند (بیور و رایان، ۲۰۰۵).

لی جینگ (۲۰۰۸) استدلال می‌کند که محافظه‌کاری موجب می‌شود پیش‌بینی سود و پیش‌بینی تمام ضرر و زیان‌ها افزایش یابد و با توجه به اینکه موجب شناسایی تمامی زیان‌ها می‌شود، عدم قطعیت آینده را کاهش می‌دهد.

نتایج پژوهش قوآنک (۲۰۰۷) نشان داد که محافظه‌کاری شرطی و غیر شرطی نقش‌های متفاوتی در هر یک از تفاسیر محافظه‌کاری بازی می‌کنند. تفسیر قراردادی منجر به محافظه‌کاری شرطی و تفسیر دعاوی حقوقی به هر دو شکل محافظه‌کاری شرطی و غیر شرطی می‌انجامد. سایر تفاسیر نیز منجر به محافظه‌کاری غیر شرطی می‌شوند.

ریچوهاری (۲۰۱۰) نشان داد، محافظه‌کاری می‌تواند باعث شود که مدیران رفتار وظیفه‌شناسانه خود را در پاسخ به پیش‌بینی اثرات (منفی) آن روی سود ترک کنند. از این رو، احتمال نقص قراردادهای آتی افزایش می‌یابد، این می‌تواند هم برای مدیران (از دست دادن موقعیت و شهرت) و هم برای شرکت (افزایش نرخ بهره، محدودیت در سرمایه‌گذاری و تأمین مالی) زیان‌هایی را در پی داشته باشد.

رضازاده و آزاد (۱۳۸۷) به بررسی رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و محافظه‌کاری در گزارشگری مالی پرداختند. آنها با بررسی ۸۱ شرکت طی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۸۱، به این نتیجه رسیدند که رابطه مثبت و معناداری بین عدم تقارن اطلاعاتی سرمایه‌گذاران و سطح محافظه‌کاری اعمال شده در صورت‌های مالی وجود دارد.

مجتهدزاده و فرشی (۱۳۹۱) به بررسی رابطه محافظه‌کاری و تصمیم‌های سرمایه‌گذاری مدیران پرداختند. این دو محقق با بررسی ۹۹ شرکت طی سال‌های ۱۳۸۹-۱۳۸۷، به این نتیجه رسیدند که میان عدم تقارن در شناسایی به‌هنگام برای اندازه‌گیری محافظه‌کاری با سودآوری آتی، رابطه منفی وجود دارد و همچنین میان معیار نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری سهام برای سنجش محافظه‌کاری با سودآوری، رابطه مثبتی وجود دارد.

دقت پیش‌بینی سود و محافظه‌کاری

اطلاعات افشاشده مدیریت، از درجه دقت متفاوتی برخوردار هستند. برای مثال، مدیریت ممکن است پیش‌بینی‌های سود را به صورت برآوردهای دقیق و نقطه‌ای انجام دهد، یا این برآورد ممکن است روی یک دامنه یا طیف انجام شود و گاهی هم با دقت کمتر و در حد برآوردهایی با حداکثر و حداقل پیش‌بینی می‌شود. بسیاری از محققان بر این باورند که افشاهای غیر دقیق، از بی‌اطمینانی مدیریت سرچشمه می‌گیرد و در مقایسه با اطلاعات افشاشده دقیق، افشاهایی با میزان اعتبار کمتر

قلمداد می شوند. مطالعات تجربی پیشین تأیید کرده‌اند برداشت سرمایه‌گذاران این است که اطلاعات پیش‌بینی شده دقیق اعتبار بیشتری از اطلاعات پیش‌بینی شده غیر دقیق دارد. چنانچه اطلاعات پیش‌بینی شده مدیران، از دقت لازم در پیش‌بینی برخوردار نباشد، به‌منزله اطلاعات نادرست تلقی می‌شود و میزان اعتبار اطلاعات افشاشده آنان، نزد سرمایه‌گذاران کاهش خواهد یافت (هاسل، جنینگز و لاسر، ۱۹۸۸). از سوی دیگر باید توجه داشت که هرچه درجه محافظه‌کاری مدیران بیشتر باشد، تمایل آنها برای افشای پیش‌بینی‌ها کمتر شده و به‌تبع آن، از دقت پیش‌بینی سود کاهش می‌یابد. پیش‌بینی‌های سود می‌تواند بر ارزش شرکت در بازار اوراق بهادار تأثیرگذار باشد و در این میان، محافظه‌کاری باعث می‌شود مدیران با محدودیت بیشتری سودهای آتی را پیش‌بینی کرده و نتوانند برخی از منافع را در پیش‌بینی‌های خود اعمال کنند (هوی، ماتسونگا و مورس، ۲۰۰۹).

نتیجه پژوهشی که ملکیان و همکارانش، احمدپور، رحمانی نصرآبادی و دریایی (۱۳۸۹) انجام دادند، نشان داد میان دوره پیش‌بینی، اهرم مالی و عمر شرکت با دقت پیش‌بینی، رابطه منفی وجود دارد. همچنین در این پژوهش وجود رابطه بین گزارش حسابرس با دقت پیش‌بینی تأیید شده است. ستایش، رضایی و اسحاقی (۱۳۹۱)، به بررسی رابطه بین محافظه‌کاری مشروط و غیر مشروط بر میزان پیش‌بینی سود پرداختند. ایشان به این نتیجه رسیدند که بین محافظه‌کاری مشروط و پیش‌بینی سود در سطح صنایع مختلف، ارتباط معناداری وجود ندارد. همچنین بین نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار - که معیار محافظه‌کاری غیر مشروط در نظر گرفته شده است - با پیش‌بینی سود در صنایع الکتریکی و غذایی - آشامیدنی، نیز رابطه معناداری وجود ندارد، اما محققان در سطح صنایع دیگر و کل صنایع، رابطه منفی و معناداری را مشاهده کردند.

هاشمی و خالقی (۱۳۹۱) به بررسی تأثیر محافظه‌کاری بر دقت و دفعات پیش‌بینی سود شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. این محققان با بررسی ۹۰ شرکت در سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۷، دریافتند که بین حسابداری محافظه‌کاری با استفاده از اقلام تعهدی و معیار MTB با دفعات پیش‌بینی سود، رابطه منفی و معناداری وجود دارد. محققان بین محافظه‌کاری و دقت پیش‌بینی رابطه‌ای را تأیید نکردند.

دفعات پیش‌بینی سود و محافظه‌کاری

یکی از راه‌های کاهش عدم تقارن اطلاعات بین مدیران و ذی‌نفعان، افزایش تعداد پیش‌بینی‌های سود است؛ بدین صورت که هرچه تعداد پیش‌بینی‌ها افزایش یابد، عدم تقارن اطلاعاتی کاهش می‌یابد. تغییر در اطلاعات مالی در اثر محافظه‌کاری، بر سود گزارش شده تأثیر می‌گذارد، از این رو معیارهای حسابداری محافظه‌کارانه می‌تواند بر تعداد دفعات پیش‌بینی سود توسط مدیریت اثر

بگذارد. یافته‌های هوی و همکاران (۲۰۰۹) نشان می‌دهد که ارتباط منفی‌ای بین محافظه‌کاری و تعداد دفعات پیش‌بینی و دقت و ویژگی پیش‌بینی سود مدیران وجود دارد. پژوهش آنان نشان می‌دهد که با کاهش بازده بازار، تأثیر محافظه‌کاری بر تعداد دفعات پیش‌بینی افزایش می‌یابد و همچنین، پیش‌بینی اخبار بد نسبت به اخبار خوب بر قوی تر شدن این ارتباط تأثیر بسزایی دارد. تسریع در شناسایی اخبار بد، می‌تواند انگیزه مدیریت متأثر کند و مدیران هزینه‌های آتی دعاوی را در پیش‌بینی سود خود مد نظر قرار دهند. در سال ۱۳۸۱ بورس اوراق بهادار تهران، طبق بند «ج» ماده ۵ آیین‌نامه افشای اطلاعات، شرکت‌ها را مکلف به ارائه پیش‌بینی سود هر سهم در پایان هر سه ماه کرد (مشایخ و شاهرخی، ۱۳۸۶).

جاگی و جن (۲۰۱۳) نشان دادند که برخلاف نتایج هوی و همکاران (۲۰۰۹)، حسابداری محافظه‌کارانه، نمی‌تواند جانشینی برای تمامی پیش‌بینی‌های مدیریت در کاهش عدم تقارن اطلاعاتی در بازار و کاهش تعهدات آتی به‌واسطه گزارشگری به‌موقع اخبار بد باشد. همچنین آنها نشان دادند، حاکمیت شرکتی نقش مهمی در انتخاب مدیریتی بین محافظه‌کاری حسابداری و پیش‌بینی سود مدیریت، برای کاهش عدم تقارن اطلاعات ایفا می‌کند.

اعتبار پیش‌بینی سود و محافظه‌کاری

همان‌طور که گفته شد، افشای اطلاعات از سوی مدیریت، یک منبع اطلاعات بالقوه ارزشمند برای سرمایه‌گذاران به‌شمار می‌رود، اما برای آنکه مورد استفاده قرار گیرد، باید معتبر تلقی شود. جنینگز (۱۹۸۷) معتقد است که واکنش سرمایه‌گذاران نسبت به اطلاعات افشاشده مدیریت، تابعی از اطلاعات جدید (اطلاعات بی‌سابقه) موجود در اطلاعات افشا شده و میزان اعتبار آن (قابلیت توجیه و میزان منطقی بودن آن اطلاعات) است. وی نتیجه می‌گیرد که برای توجیه واکنش سرمایه‌گذاران، میزان اعتبار اطلاعات افشا شده می‌تواند به‌اندازه مقدار اطلاعات جدید و بدون سابقه با اهمیت باشد. چهار عامل ۱. انگیزه‌های ناشی از موقعیت؛ ۲. میزان اعتبار خود مدیریت؛ ۳. عوامل مؤثر بر محیط گزارشگری، اعم از بیرونی و درونی و ۴. ویژگی‌های ذاتی موضوع مورد افشا، بر میزان اعتبار اطلاعات افشاشده مؤثر است. مطالعات پیشین در زمینه اعتبار اطلاعات افشاشده، متنوع و گسترده هستند. یافته‌های بسیاری از مطالعات دانشگاهی، حاکی از آن است که اخبار منفی از اعتبار بیشتری نسبت به اخبار مثبت برخوردار هستند (ویلیامز، ۱۹۹۶). محافظه‌کاری نیز از ویژگی‌های بارز گزارشگری مالی است که با تسریع در شناسایی اخبار بد، قابلیت اعتماد سود گزارش شده را افزایش داده و موجب کاهش عدم تقارن اطلاعاتی می‌شود (لافوند و واتز، ۲۰۰۸).

لطفی و حاجی‌پور (۱۳۸۹) با بررسی ۸۸ شرکت طی سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۷، تأثیر محافظه‌کاری بر خطای مدیریت در پیش‌بینی سود را ارزیابی کردند. آنها در مطالعه خود برای

اندازه‌گیری محافظه‌کاری، از چهار معیار استفاده کردند که از میان آنها، سه معیار با خطای پیش‌بینی رابطه منفی و معنادار داشته و در یکی از معیارها رابطه معناداری دیده نشده است. با مطالعه و بررسی پژوهش‌های انجام شده در ایران، می‌توان دریافت که بیشتر مطالعات فقط از یک معیار برای اندازه‌گیری محافظه‌کاری استفاده کرده‌اند و مطالعه جامع و کاملی در زمینه تأثیر محافظه‌کاری بر پیش‌بینی سود انجام نشده است. به‌منزله یک نوآوری، در این پژوهش تلاش شده تا با مرور ادبیات موضوع و مطالعات انجام شده و نیز با استفاده از سه معیار اندازه‌گیری محافظه‌کاری (معیار بازدهی و سود سهام، معیار اقلام تعهدی و معیار ارزش بازار) به بررسی تأثیر محافظه‌کاری بر پیش‌بینی سود از سوی مدیریت در نمونه‌های انتخاب شده، پرداخته شود. نتایج پژوهش پیش رو، اطلاعات بیشتری در مورد تأثیر محافظه‌کاری بر عدم تقارن اطلاعاتی و پیش‌بینی سود مدیریت در اختیار قرار می‌دهد.

فرضیه‌های پژوهش

نظریه نمایندگی، حقوق و مزایای مدیران را به سود گزارش شده مرتبط می‌کند و از دیدگاه این نظریه، مدیران انگیزه‌ای قوی برای پنهان کردن اخبار بد دارند که به موجب آن اخبار، سود کاهش می‌یابد. بنابراین می‌توان محافظه‌کاری را سازوکاری برای کنترل انگیزه‌های مدیران برای گزارش بیش از واقع سود تلقی کرد (واتز، ۲۰۰۳). ممکن است محافظه‌کاری با جایگزینی گسترده اطلاعات نامتقارن بین مدیران و ذی‌نفعان، بر استراتژی پیش‌بینی سود تأثیرگذار باشد (لافوند و واتز، ۲۰۰۸). یکی از راه‌های کاهش اطلاعات نامتقارن بین مدیران و ذی‌نفعان، افزایش دقت و دفعات پیش‌بینی‌های سود است؛ بدین صورت که هرچه دقت و دفعات پیش‌بینی افزایش یابد، این عدم تقارن اطلاعاتی کاهش می‌یابد. تغییر در اطلاعات مالی در اثر محافظه‌کاری بر سود گزارش شده تأثیر می‌گذارد. از این رو معیارهای حسابداری محافظه‌کارانه می‌تواند بر دقت و دفعات پیش‌بینی از سوی مدیریت تأثیر گذارد. دقت و دفعات پیش‌بینی‌هایی که مدیریت انجام می‌دهد، به درجه محافظه‌کاری مدیر بستگی دارد (هوی و همکاران، ۲۰۰۹)؛ بدین ترتیب که با افزایش محافظه‌کاری، مدیران کمتر تمایل دارند که پیش‌بینی‌هایی را در خصوص وضعیت فعلی و آتی شرکت انجام دهند و به تبع آن دقت پیش‌بینی‌ها کاهش می‌یابد. در این پژوهش با توجه به اهمیت سود پیش‌بینی‌شده هر سهم توسط مدیریت و تأثیر محافظه‌کاری بر ابعاد مختلف سیستم حسابداری و گزارشگری مالی، فرضیه‌های زیر مطرح شده است:

۱. بین حسابداری محافظه‌کارانه و تعداد دفعات پیش‌بینی سود توسط مدیریت، رابطه

معناداری وجود دارد.

۲. بین حسابداری محافظه کارانه و دقت پیش بینی سود توسط مدیریت، رابطه معناداری وجود دارد.
۳. بین حسابداری محافظه کارانه و اعتبار پیش بینی سود توسط مدیریت، رابطه معناداری وجود دارد.

روش شناسی پژوهش

این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی و از نوع توصیفی - تحلیلی همبستگی است. برای آزمون فرضیه های پژوهش، از تحلیل ضرایب رگرسیون چندمتغیره استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش را شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تشکیل می دهند و قلمرو زمانی با در نظر گرفتن اطلاعات نزدیک به زمان پژوهش، دوره شش ساله (۱۳۸۴ تا ۱۳۹۰) تعیین شده است. نمونه آماری با در نظر گرفتن شرایط زیر انتخاب شده است:

۱. به منظور محاسبه متغیر اعتبار پیش بینی سود، از ابتدای سال ۱۳۸۳ در بورس اوراق بهادار پذیرفته شده باشند؛
۲. صورت های مالی و سایر داده های مورد نیاز آنها از سال ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۰ در دسترس باشد؛
۳. وقفه معاملاتی بیش از شش ماه در محدوده تعیین شده نداشته باشند (به منظور سیال بودن سهام شرکت ها و در نتیجه قابل اتکا بودن قیمت سهم و بازده آن)؛
۴. برای افزایش قابلیت مقایسه، سال مالی شرکت منتخب منتهی به ۲۹ اسفند باشد؛
۵. شرکت برگزیده متعلق به صنایع بورسی، بانک ها، مؤسسه های اعتباری و سایر نهادهای پولی، سایر واسطه گری های مالی و سرمایه گذاری های مالی نباشد (به دلیل تفاوت در صورت های مالی، ماهیت خاص فعالیت).

با توجه به شرایط اشاره شده در بالا از صورت های مالی حسابرسی شده و افشاهای مربوط به پیش بینی سود هر سهم، ۷۶ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای نمونه پژوهش انتخاب شدند.

اندازه گیری محافظه کاری

الف) اندازه گیری محافظه کاری شرطی

مدل باسو: باسو (۱۹۹۷) با بهره گیری از مدل پیشهادی خود (رابطه ۱) دریافت که عدم تقارن سود در انعکاس اخبار خوب و اخبار بد، به درجه های متفاوتی از پایداری منجر می شود.

$$EPS_{it}/P_{it-1} = \beta_0 + \beta_1 DR_{it} + \beta_2 RET_{it} + \beta_3 DR_{it} \times RET_{it} + \varepsilon_{it} \quad (\text{رابطه ۱})$$

EPS_{it} : سود خالص قبل از اقلام غیر مترقبه؛

P_{it-1} : قیمت سهام در ابتدای دوره؛

DR_{it} = متغیر مجازی، اگر اخبار بد باشد یک و در غیر این صورت صفر است؛

RET_{it} = نرخ بازده سهام شرکت.

در این مدل، بازده مثبت (تغییرات بازده سهام نسبت به سال قبل مثبت باشد)، نماینده اخبار خوب و بازده منفی (تغییرات بازده سهام نسبت به سال قبل منفی باشد)، نماینده اخبار بد است. چنانچه تغییر بازده سهام نسبت به سال قبل مثبت باشد، رابطه ۲ به دست می آید:

$$EPS/P = \alpha + \beta_2 RET + \varepsilon \quad \text{رابطه ۲}$$

در این رابطه β_2 نشان دهنده حساسیت واکنش سود به اخبار خوب است. چنانچه تغییر بازده سهام نسبت به سال قبل منفی باشد، رابطه ۳ به دست می آید:

$$EPS/P = \alpha + \beta_1 + (\beta_2 + \beta_3) RET + \varepsilon \quad \text{رابطه ۳}$$

که در آن $\beta_2 + \beta_3$ حساسیت واکنش سود را نسبت به اخبار بد نشان می دهد. باسو معتقد است، واکنش سود نسبت به اخبار بد، به هنگام تر از واکنش سود نسبت به اخبار خوب است. به گفته ای دیگر $\beta_2 < \beta_2 + \beta_3$ است و در نتیجه $0 < \beta_3$ وی β_3 را ضریب عدم تقارن زمانی سود نامید که نشان دهنده محافظه کاری است (باسو، ۱۹۹۷).

مدل گیولی و هاین: جمع اقلام تعهدی عملیاتی و اقلام تعهدی غیر عملیاتی بر اساس مدل گیولی و هاین (۲۰۰۰) از رابطه ۴ محاسبه می شود.

$$ACC_{it} = NI_{it} + DEP_{it} - CFO_{it}$$

$$OACC_{it} = \Delta AR_{it} + \Delta I_{it} + \Delta PE_{it} - \Delta AP_{it} - \Delta TP_{it} \quad \text{رابطه ۴}$$

NI_{it} : سود خالص	ACC_{it} : جمع اقلام تعهدی
CFO_{it} : جریان وجه نقد عملیاتی	DEP_{it} : استهلاک سالانه
ΔAR_{it} : تغییر در حساب های دریافتی	$OACC_{it}$: اقلام تعهدی عملیاتی
ΔPE_{it} : تغییر در پیش پرداخت ها	ΔI_{it} : تغییر در موجودی کالا
ΔTP_{it} : تغییر در مالیات های پرداختی	ΔAP_{it} : تغییر در حساب های پرداختی
$NOACC_{it}$: اقلام تعهدی غیر عملیاتی (معیار محافظه کاری که در منفی یک ضرب می شود).	

از آنجا که مقادیر کوچکتر (منفی تر) ارقام تعهدی غیر عملیاتی، نشانگر سطوح بالاتر محافظه کاری هستند، در این پژوهش برای همسو کردن جهت مقادیر جبری ارقام تعهدی غیر عملیاتی با میزان محافظه کاری، از قرینه این ارقام استفاده شده است.

ب) اندازه گیری محافظه کاری غیر شرطی (معیار MTB)

احمد و دولمان (۲۰۰۷) برای به دست آوردن معیار محافظه کاری، از نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار و ضرب آن در عدد ۱- استفاده کردند. از آنجا که معمولاً محافظه کاری موجب می شود ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام نسبت به ارزش بازار آن کمتر از واقعیت نشان داده شود، شرکت های استفاده کننده از حسابداری محافظه کارانه تر، دارای نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار کمتری هستند. به بیان دیگر، رابطه نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار با محافظه کاری معکوس است که با ضرب آن در عدد ۱- نسبت مستقیمی از محافظه کاری به دست می آید. از این معیار ستایش، رضایی و اسحاقی (۱۳۹۱)، برای اندازه گیری محافظه کاری غیر شرطی استفاده کرده اند.

مدل های اصلی پژوهش

برای آزمون فرضیه های اول، دوم و سوم، به ترتیب از مدل های ۱، ۲ و ۳ استفاده می شود.

$$FEA_{it} = \beta_0 + \beta_1 CONSVC_{it} + \beta_2 SG_{it} + \beta_3 ROA_{it} + \beta_4 SIZE_{it} + \beta_5 LAVREGE_{it} + \varepsilon_{it} \quad \text{مدل (۱)}$$

$$FEC_{it} = \beta_0 + \beta_1 CONSVC_{it} + \beta_2 SG_{it} + \beta_3 ROA_{it} + \beta_4 SIZE_{it} + \beta_5 LAVREGE_{it} + \varepsilon_{it} \quad \text{مدل (۲)}$$

$$FES_{it} = \beta_0 + \beta_1 CONSVC_{it} + \beta_2 SG_{it} + \beta_3 ROA_{it} + \beta_4 SIZE_{it} + \beta_5 LAVREGE_{it} + \varepsilon_{it} \quad \text{مدل (۳)}$$

FEA_{it} یا تعداد دفعات پیش بینی: به صورت مجموع تعداد پیش بینی اولیه و دفعات تجدید نظر در پیش بینی سود تا پایان دوره مالی به دست می آید.

FEC_{it} یا دقت پیش بینی: لگاریتم طبیعی توان دوم اختلاف سود (زیان) پیش بینی شده از سود (زیان) واقعی، تقسیم بر توان دوم سود (زیان) پیش بینی شده (گونوپوس، ۲۰۰۴).

FES_{it} یا اعتبار پیش بینی: برای اندازه گیری این متغیر از میزان تحقق پیش بینی دوره قبل، به منزله شاخصی برای اندازه گیری اعتبار مدیریت استفاده می شود. به بیان دیگر، درصد افزایش یا

کاهش سود گزارش شده واقعی نسبت به آنچه قبلاً پیش بینی شده بود، معیار اندازه گیری این متغیر در نظر گرفته شده است که از رابطه ۵ محاسبه می شود (استوکن، ۲۰۰۰).

$$FES = \frac{EPS_{t-1} - MF_{t-1}}{P_t} \quad \text{رابطه ۵}$$

EPS_{t-1} : سود واقعی سال گذشته MF_{t-1} : اولین پیش بینی سود در سال گذشته

P_t : قیمت سهام در ابتدای دوره جاری SG_{it} : رشد فروش

ROA_{it} : نرخ بازده دارایی ها $LAVREGE_{it}$: اهرم مالی

$SIZE_{it}$: اندازه شرکت که برابر لگاریتم طبیعی دارایی های شرکت

$CONSV_{it}$: محافظه کاری شرطی و غیر شرطی

یافته های پژوهش

آمار توصیفی

آمار توصیفی متغیرهای پژوهش به صورت خلاصه، در جدول ۱ نشان داده شده است.

جدول ۱. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها	میانگین	میان	ماکسیمم	مینیمم	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
دفعات پیش بینی	۳/۰۱	۳	۵	۱	۱/۱۰۹	-۰/۲۱۵	۳/۴۳۳
دقت پیش بینی	-۲/۵۰	-۲/۵۵	۳/۶۷	-۷/۶۸	۲/۰۵	۰/۰۹۲	۳/۱۶۳
اعتبار پیش بینی	-۰/۰۲۲	-۰/۰۱	۰/۲۳	-۰/۲۴	۰/۰۸۴	-۰/۲۳	۲/۹۱
اهرم مالی	۰/۶۲۴	۰/۶۳	۱/۳۱	۰/۱۵	۰/۱۷۲۲	۰/۱۶۴	۳/۵۰۸
نسبت ارزش بازار به دفتری	۲/۲۸۳	۱/۹۳	۲۶/۷۸	-۴۴/۰۹	۳/۲۸۱	-۴/۷۷	۱۰۲/۲۲
اقدام تعهدی غیر عملیاتی	۲۲۶۷۳/۲۲	۱۷۶۸۰	۲۹۸۱۱۳	-۴۰۰۰۰۰	۲۷۹۴۳۵	-۱/۲۳۸	۱۲۳/۵۷
نرخ بازده دارایی ها	۱۴/۸۵	۱۳/۵۵	۶۲/۷۴	-۳۲/۷۴	۱۲/۰۱	۰/۴۶۰	۴/۷۷۵
رشد فروش	۱۸/۲۶	۱۵/۳۲	۲۹۷/۴۹	-۶۲/۳۹	۴۷/۳۴	۲/۲۸۵	۱۶/۷۷۹
نرخ بازده سهام	۰/۲۷۴	۰/۱۲۳	۱۰/۱۴۰	-۷/۴۱۲	۱/۱۶۹	۲/۴۲۱	۳۷/۰۳۲
تغییرات نرخ بازده سهام نسبت به سال قبل	-۰/۱۲۶	۰/۰۹۲	۱۰/۶۳۱	-۹/۶۳۶	۱/۶۴۶	۰/۲۵۹	۱۷/۲۶۲
اندازه شرکت	۲۶/۹۵۳	۲۶/۹۱	۳۱/۳۳	۲۳/۷۳	۱/۳۹	۰/۴۲۷	۳/۱۰۵
محافظه کاری (مدل باسو)	۰/۱۲۰	۰/۱۱۵	۰/۴۹	۰/۰۴۶	۰/۰۸۵	۱/۰۷۵	۲/۷۷۷

همان طور که در جدول ۱ مشاهده می شود، در اکثر متغیرها میانگین و میانه کمابیش نزدیک به هم هستند که گویای نرمال بودن داده ها است. مهم ترین معیار پراکندگی، انحراف معیار است که در جدول ۱ این معیار برای متغیر محافظه کاری با استفاده از مدل باسو کمترین مقدار را دارد (۰/۰۸۵) و نشان می دهد این مدل از پایداری بیشتری برخوردار است.

آزمون اف. لیمر و آزمون هاسمن

به کمک آزمون چاو و هاسمن مدل مناسب برای استفاده در داده های ترکیبی انتخاب شد. آزمون چاو برای تعیین به کارگیری مدل اثرات تابلویی در مقابل تلفیق کل داده ها انجام گرفت و آزمون هاسمن نیز برای تعیین استفاده از مدل اثرات ثابت در مقابل اثر تصادفی انجام می شود. آزمون هاسمن برپایه وجود یا عدم وجود ارتباط بین خطای رگرسیون تخمین زده شده و متغیرهای مستقل مدل شکل گرفته است. اگر چنین ارتباطی وجود داشته باشد، مدل اثر ثابت استفاده می شود و اگر این ارتباط وجود نداشته باشد، مدل اثر تصادفی کاربرد خواهد داشت. نتایج آزمون اف. لیمر و هاسمن برای مدل های پژوهش در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲. نتایج آزمون اف. لیمر و هاسمن مدل های پژوهش

فرضیه ها	مدل	آزمون	مقدار آماره	p-value	نتیجه
فرضیه اول	مدل ۱	اف. لیمر	۴/۹۶۱	۰/۰۰۷۹	روش تابلویی
		هاسمن	۵/۱۷۴	۰/۲۶۹۹	اثرات تصادفی
	مدل ۲	اف. لیمر	۶/۲۶۶	۰/۰۰۰۰	روش تابلویی
		هاسمن	۴/۴۱۷	۰/۳۵۲۵	اثرات تصادفی
	مدل ۳	اف. لیمر	۴/۹۱۴	۰/۰۰۲۳	روش تابلویی
		هاسمن	۷/۵۴۹	۰/۱۰۹۵	اثرات تصادفی
فرضیه دوم	مدل ۱	اف. لیمر	۵/۰۶۳	۰/۰۰۰۷	روش تابلویی
		هاسمن	۳/۹۳۱	۰/۵۵۹۳	اثرات تصادفی
	مدل ۲	اف. لیمر	۵/۰۷۳	۰/۰۰۰۲	روش تابلویی
		هاسمن	۵/۰۰۵	۰/۲۸۶۷	اثرات تصادفی
	مدل ۳	اف. لیمر	۵/۰۶۵	۰/۰۰۰۳	روش تابلویی
		هاسمن	۴/۱۲۷	۰/۵۳۱۲	اثرات تصادفی
فرضیه سوم	مدل ۱	اف. لیمر	۵/۲۰۱	۰/۰۰۰۸	روش تابلویی
		هاسمن	۶/۸۲۷	۰/۱۴۵۳	اثرات تصادفی
	مدل ۲	اف. لیمر	۵/۲۱۷	۰/۰۰۰۱	روش تابلویی
		هاسمن	۷/۸۵۰	۰/۰۹۷۲	اثرات تصادفی
	مدل ۳	اف. لیمر	۵/۱۹۹	۰/۰۰۰۷	روش تابلویی
		هاسمن	۵/۹۷۵	۰/۲۰۱۰	اثرات تصادفی

همان طور که جدول ۲ نشان می دهد، احتمال آزمون اف های لیمر کوچکتر از ۵ درصد است، بنابراین فرض مدل تلفیقی تأیید نمی شود. به بیان دیگر، اثرات فردی یا گروهی وجود دارد و باید از روش داده های تابلویی برای برآورد مدل استفاده شود. در مرحله بعد برای تعیین استفاده از مدل اثرات ثابت در مقابل تصادفی، آزمون هاسمن انجام شد. با توجه به مدل ها، مقدار احتمال آزمون تمام فرضیه ها بیشتر از ۵ درصد است، بنابراین فرضیه مدل اثرات ثابت رد می شود. با توجه به نتایج آزمون چاو و هاسمن برای برآورد پارامترها و آزمون فرضیه ها مدل اثرات تصادفی استفاده شده است.

یافته های پژوهش

نتایج آزمون فرضیه اول به شرح جدول ۳ آمده است.

جدول ۳. نتایج آزمون فرضیه اول

$FEA_{it} = \beta_0 + \beta_1 CONSVC_{it} + \beta_2 SG_{it} + \beta_3 ROA_{it} + \beta_4 SIZE_{it} + \beta_5 LAVREGE_{it} + \varepsilon_{it}$						
متغیرها	مدل با سو		مدل گیولی و هاین		معیار MTB	
	ضریب	معناداری	ضریب	معناداری	ضریب	معناداری
β_0	۱/۸۹۷	۰/۱۴۴	۱/۶۳۷	۰/۱۶۹	۲/۲۳۴	۰/۰۳۵
CONSV	۱/۳۸۷	۰/۷۸۲	-۰/۰۰۰۰۶۴	۰/۰۳۱	-۰/۰۲۷۲	۰/۰۹۳
SG	-۰/۰۰۰۰۰۵۵	۰/۹۷۴	-۰/۰۰۰۰۴۰	۰/۸۱۶	۰/۰۰۱۳	۰/۳۹۱
ROA	۰/۰۱۴۸	۰/۰۰۹	۰/۰۱۴۸	۰/۰۰۸	۰/۰۱۸	۰/۰۰۰۱
SIZE	۰/۰۲۷	۰/۵۴۶	۰/۰۴۳	۰/۳۳۵	۰/۰۲۰	۰/۶۱۷
LEVEREGE	-۰/۹۰۴	۰/۰۵۳	-۰/۸۳۳	۰/۰۶۴	۰/۷۱۲	۰/۱۱۹
ضریب تعیین	۰/۱۹۴		۰/۲۰۴			۰/۱۹۶
آماره اف.	۴/۹۴۵		۲/۲۳۳			۲/۱۶۰
دوربین - واتسون	۲/۴۳		۲/۴۷			۲/۴۳

نتایج حاصل از تخمین ها نشان می دهد محافظه کاری شرطی با استفاده از مدل گیولی و هاین (۲۰۰۰) کوچکتر از ۵ درصد (ضریب = -۰/۰۰۰۰۶۴ و معناداری = ۰/۰۳۱) و محافظه کاری غیر شرطی با استفاده از معیار MTB کوچکتر از ۱۰ درصد (ضریب = -۰/۰۲۷۲ و معناداری = ۰/۰۹۳) است. این نتایج نشان می دهد محافظه کاری با تعداد دفعات پیش بینی سود رابطه منفی و معنادار دارد. در واقع مدیران محافظه کار تمایل کمتری برای افشای پیش بینی های خود دارند. ضریب تعیین

در هر سه مدل تقریباً ۲۰ درصد است، به این معنا که حدود ۲۰ درصد از تغییرات در متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل مدل توضیح داده می شود. آماره اف. نشان می دهد مدل برازش شده در کل معنادار بوده و می توان بر آن اتکا کرد. از میان متغیرهای کنترلی، نرخ بازده دارایی ها با تعداد دفعات پیش بینی سود دارای رابطه مثبت و معنادار است. به گفته ای با افزایش نرخ بازده دارایی ها، تعداد دفعات پیش بینی سود از سوی مدیریت افزایش می یابد. بنابراین یافته های پژوهش نشان می دهد که فرضیه اول پژوهش با توجه به مدل گیولی و هاین (۲۰۰۰) و معیار MTB تأیید می شود. نتایج آزمون فرضیه دوم به شرح زیر است:

جدول ۴. نتایج آزمون فرضیه دوم

$$FEC_{it} = \beta_0 + \beta_1 CONSV_{it} + \beta_2 SG_{it} + \beta_3 ROA_{it} + \beta_4 SIZE_{it} + \beta_5 LAVREGE_{it} + \varepsilon_{it}$$

متغیرها	مدل باسو		مدل گیولی و هاین		معیار MTB	
	ضریب	معناداری	ضریب	معناداری	ضریب	معناداری
β_0	-۵/۰۸۹	۰/۰۲۹	-۴/۱۸۸	۰/۰۵۱	-۳/۹۲۱	۰/۰۶۷
CONSV	۹/۸۰۹	۰/۲۷۵	-۰/۰۰۰۰۰۰۱۶	۰/۶۷۴	۰/۰۱۵	۰/۶۵۸
SG	-۰/۰۰۰۳۸	۰/۹۰۴	-۰/۰۰۰۰۵	۰/۸۵۲	-۰/۰۰۰۴۹	۰/۸۷۷
ROA	-۰/۰۳۵	۰/۰۰۶	-۰/۰۳۵	۰/۰۰۷	-۰/۰۳۷	۰/۰۰۶
SIZE	-۰/۰۵۴	۰/۵۲۳	۰/۰۶۵	۰/۴۴۹	-۰/۰۵۵	۰/۵۱۸
LEVEREGE	-۰/۷۵۲	۰/۳۵۳	۰/۷۶۱	۰/۳۴۸	۰/۷۲۷	۰/۳۷۳
ضریب تعیین		۰/۲۵۱		۰/۲۴۸		۰/۲۴۸
آماره F		۱/۵۶۲		۲/۵۴۴		۰/۵۴۵
دوربین - واتسون		۲/۳۳۰		۲/۳۲۹		۲/۳۲۵

در جدول ۴ مشاهده می شود رابطه معناداری بین محافظه کاری شرطی و غیر شرطی با دقت پیش بینی سود توسط مدیریت وجود ندارد. محافظه کاری سبب سوگیری در سود می شود و همین امر موجب می شود سودهایی که محافظه کارانه هستند، با دقت کمی از سوی مدیریت پیش بینی شوند، ولی در این پژوهش شواهدی دال بر این موضوع به دست نیامد. همان طور که مشاهده می شود، فقط بین نرخ بازده دارایی ها با محافظه کاری، رابطه منفی و معنادار وجود دارد. با افزایش

نرخ بازده دارایی‌ها، دقت پیش‌بینی سود توسط مدیریت کاهش می‌یابد. ضریب تعیین در سه مدل تقریباً ۲۵ درصد است. به گفته دیگر، ۲۵ درصد از تغییرات در متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل مدل توضیح داده می‌شود. معناداری آماره اف. بیانگر این موضوع است که مدل برازش شده در کل معنادار بوده و می‌توان بر آن اتکا کرد. بنابراین شواهدی برای پذیرش فرضیه به‌دست نیامد.

نتایج آزمون فرضیه سوم در جدول ۵ نشان داده شده است.

جدول ۵. نتایج آزمون فرضیه سوم

$$FES_{it} = \beta_0 + \beta_1 CONSVC_{it} + \beta_2 SG_{it} + \beta_3 ROA_{it} + \beta_4 SIZE_{it} + \beta_5 LAVREGE_{it} + \varepsilon_{it}$$

متغیرها	مدل باسو		مدل گیولی و هاین		معیار MTB	
	ضریب	معناداری	ضریب	معناداری	ضریب	معناداری
β_0	۰/۱۵۴	۰/۱۰۷	۰/۱۰۱	۰/۲۵۲	۰/۰۸۵	۰/۳۲۶
CONSV	-۰/۵۱۰	۰/۰۶۹	-۰/۰۰۰۱۵۳	۰/۹۲۴	-۰/۰۰۲	۰/۰۷۸
SG	۰/۰۰۰۱۳	۰/۳۹۰	۰/۰۰۰۱۴	۰/۲۷۴	۰/۰۰۰۱۴	۰/۲۶۰
ROA	۰/۰۰۲	۰/۰۰۰	۰/۰۰۲۲	۰/۰۰۰	۰/۰۰۲۳	۰/۰۰۰
SIZE	-۰/۰۰۵	۰/۰۹۶	-۰/۰۰۵۸	۰/۰۸۱	-۰/۰۰۵۱	۰/۱۲۴
LEVEREGE	۰/۰۱۸	۰/۸۲۷	۰/۰۲۸	۰/۷۱۷	۰/۰۳۳	۰/۶۸۳
ضریب تعیین	۰/۲۴۸		۰/۲۴۵		۰/۲۵۱	
آماره اف.	۱/۵۷۴		۱/۵۴۱		۲/۵۹۶	
دوربین - واتسون	۲/۵۰		۲/۵۰		۲/۵۰	

نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد محافظه‌کاری شرطی با استفاده از مدل باسو (۱۹۹۷) و محافظه‌کاری غیر شرطی با استفاده از معیار MTB، رابطه منفی و معناداری با اعتبار پیش‌بینی سود (خطای پیش‌بینی سود) توسط مدیریت دارد. در واقع با افزایش سطح محافظه‌کاری، اعتبار پیش‌بینی سود توسط مدیریت افزایش می‌یابد. به گفته دیگر، هرچه محافظه‌کاری در سطح شرکت‌ها بیشتر شود، از میزان خوش‌بینانه بودن سود شرکت‌ها کاسته می‌شود؛ یعنی اگر میزان تحقق پیش‌بینی سود دوره قبل (به‌منزله شاخص اندازه‌گیری اعتبار مدیریت) بالاتر باشد، محافظه‌کاری در این

شرکت‌ها بیشتر دیده می‌شود. ضریب تعیین در جدول ۵ تقریباً ۲۵ درصد است، به این معنا که ۲۵ درصد از تغییرات در متغیر وابسته، توسط متغیرهای مستقل مدل توضیح داده می‌شود. معناداری آماره اف، نیز بیانگر این است که مدل برازش شده در کل معنادار بوده و قابل اتکا است. بنابراین فرضیه سوم با استفاده از مدل باسو (۱۹۹۷) و معیار MTB پذیرفته می‌شود.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد، محافظه‌کاری شرطی با استفاده از مدل گیولی و هاین (۲۰۰۰) و محافظه‌کاری غیر شرطی با استفاده از معیار MTB، با تعداد دفعات پیش‌بینی سود توسط مدیریت، دارای رابطه منفی و معنادار است، اما با استفاده از مدل باسو (۱۹۹۷) رابطه معناداری بین محافظه‌کاری و تعداد دفعات پیش‌بینی سود توسط مدیریت مشاهده نشد. نتایج پژوهش بیان می‌کند که هرچه درصد محافظه‌کاری در بین مدیران بیشتر باشد، آنها تمایل کمتری برای افشای پیش‌بینی‌های خود دارند. این یافته با نتایج هوی و همکاران (۲۰۰۹)، جاگی و جن (۲۰۱۳) و هاشمی و خالقی (۱۳۹۱) همخوانی دارد. در واقع این یافته در تضاد با دیدگاه نقش محافظه‌کاری در کاهش عدم تقارن اطلاعاتی است. در این میان، رابطه معناداری بین محافظه‌کاری و دقت پیش‌بینی سود توسط مدیریت مشاهده نشد. این یافته با نتایج هاشمی و خالقی (۱۳۹۱) همخوانی دارد.

از سوی دیگر بین محافظه‌کاری شرطی با استفاده از مدل باسو (۱۹۹۷) و محافظه‌کاری غیرشرطی با استفاده از معیار MTB با اعتبار پیش‌بینی سود توسط مدیریت، رابطه منفی و معناداری مشاهده شد. به‌گفته دیگر با افزایش سطح محافظه‌کاری، خطای پیش‌بینی سود توسط مدیریت کاهش می‌یابد. این نتیجه منطبق بر یافته لطفی و حاجی‌پور (۱۳۸۹) است. در واقع سود شرکت‌ها کمتر خوش‌بینانه است؛ یعنی هرچه میزان تحقق پیش‌بینی سود دوره قبل (به‌منزله شاخص اندازه‌گیری اعتبار مدیریت) بالاتر باشد، محافظه‌کاری در این شرکت‌ها بیشتر خواهد شد. در این بین محافظه‌کاری باعث می‌شود مدیران با محدودیت بیشتری سودهای آتی را پیش‌بینی کنند و نمی‌توانند برخی از منافع را در پیش‌بینی‌های خود اعمال کنند. به بیان دیگر، رویه‌های حسابداری محافظه‌کارانه، مدیران را از رفتار فرصت‌طلبانه و خوش‌بینی بیش از حد در ارائه سود باز می‌دارد. درواقع این یافته در حمایت از دیدگاه نقش محافظه‌کاری در کاهش عدم تقارن اطلاعاتی است.

با توجه به نتایج پژوهش می‌توان گفت مدیران محافظه‌کار، در پیش‌بینی سود خطای کمتری دارند. بنابراین سرمایه‌گذاران در بورس اوراق بهادار می‌توانند به‌منزله یک منبع اطلاعاتی، از پیش‌بینی‌های مدیران برای خرید یا فروش سهام استفاده کنند.

پیشنهاد می‌شود تحلیل گران و سرمایه‌گذاران هنگام تجزیه و تحلیل صورت‌های مالی به متغیر محدودکننده محافظه‌کاری توجه بیشتری کنند.

برای مطالعات آتی نیز پیشنهادهای زیر ارائه شده است:

۱. تأثیر محافظه‌کاری بر پیش‌بینی سود، با استفاده از سه معیار بیان‌شده در سطح هر صنعت بررسی شود.

۲. محافظه‌کاری با مدل‌های دیگر اندازه‌گیری‌شده و تأثیر آن بر پیش‌بینی‌های سود بررسی شود.

در فرایند انجام پژوهش علمی، مجموعه شرایطی وجود دارد که خارج از کنترل محقق است، ولی به‌طور بالقوه می‌تواند نتایج پژوهش را تحت تأثیر قرار دهد. مهم‌ترین محدودیت‌هایی که در اجرای این پژوهش وجود داشته به شرح زیر است:

۱. امکان تأثیر متغیرهای دیگری که کنترل آنها خارج از دسترس محقق است. متغیرهایی

مانند تغییر مقررات دولتی، جابه‌جایی مدیران، ضعف در سیستم بودجه‌ریزی و مانند اینها؛

۲. محدودیت مقطع زمانی انتخاب‌شده برای استخراج داده‌ها، ممکن است متأثر از دوره‌های

تجاری و عدم کارایی بازار سرمایه، به‌دلیل تغییر قیمت سهام تحت تأثیر نوسان و

شوک‌های مقطعی باشد. اتکا به نتایج می‌تواند در چنین شرایطی گمراه‌کننده باشد؛

۳. ممکن است متغیرهای پژوهش، از جمله نسبت ارزش دفتری به بازار، تحت تأثیر تورم

قرار بگیرد، این مسئله نیز محدودیتی برای پژوهش حاضر بوده است.

منابع

خوش‌طینت، م. و اکبری، م. (۱۳۸۷). ارزیابی متغیرهای مؤثر بر اعتبار پیش‌بینی سود توسط مدیریت.

فصلنامه مطالعات حسابداری، (۱۹): ۴۹-۲۱.

رضازاده، ج. و آزاد، ع. (۱۳۸۷). رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و محافظه‌کاری در گزارشگری مالی.

بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۱۵ (۵۴): ۸۰-۶۳.

ستایش، م و رضایی، ح. و اسحاقی، ا. (۱۳۹۱). رابطه بین محافظه‌کاری مشروط و غیر مشروط با میزان

پیش‌بینی سود. پژوهشنامه حسابداری مالی و حسابرسی، ۴ (۱۴): ۹۰-۶۵.

کمیته تدوین استانداردهای حسابداری. (۱۳۸۸). استانداردهای حسابداری (نشریه ۱۶۰). چاپ شانزدهم،

تهران: سازمان حسابرسی.

لطفی، ا. و حاجی‌پور، م. (۱۳۸۹). تأثیر محافظه‌کاری بر خطای مدیریت در پیش‌بینی سود. *مجله حسابداری مدیریت*، ۳ (۴): ۱۷-۳۳.

مجته‌زاده، و. و فرشی، ز. (۱۳۹۱). بررسی رابطه محافظه‌کاری حسابداری و تصمیمات سرمایه‌گذاری مدیران در شرکت‌های پذیرفته‌شده تهران. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۱۹ (۶۷): ۹۱-۱۰۴.

مشایخ، ش. و شاه‌رخی، س. (۱۳۸۶). بررسی دقت پیش‌بینی سود توسط مدیران و عوامل مؤثر بر آن. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۱۴ (۵۰): ۶۵-۸۲.

ملکیان، ا؛ احمدپور، ا؛ رحمانی نصرآبادی، م. و دریایی، ع. (۱۳۸۹). عوامل مؤثر بر دقت سود پیش‌بینی‌شده توسط شرکت‌ها: شواهدی از بازار بورس اوراق بهادار. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۱۷ (۶۱): ۲۳-۳۸.

هاشمی، ع. و خالقی، ن. (۱۳۹۱). تأثیر محافظه‌کاری بردقت و دفعات پیش‌بینی سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *فصلنامه بورس اوراق بهادار*، ۵ (۱۹): ۱۱۸-۱۰۵.

Ahmed, A. S. & Duellman, S. (2007). Evidence on the role of accounting conservatism in corporate governance. *Journal of Accounting and Economics*, 43 (2-3): 411-437.

Ball, R. and Shivakumar, L. (2005). Earnings quality in UK private firms: Comparative loss recognition timeliness. *Journal of Accounting and Economics*, 39 (1): 83-128.

Basu, S. (1997). The conservatism principle and the asymmetric timeliness of earnings. *Journal of Accounting and Economics*, 24 (1-2): 3-37.

Beaver, H and Ryan, G. (2005). Conditional and Unconditional Conservatism: Concepts and Modeling. *Review of Accounting Studies*, 10(1-2): 269-309.

Givoly, D and Hayn, C. (2000). The changing time-series properties of earnings, cash flows and accruals: has financial accounting become more conservative? *Journal of Accounting and Economics*, 29 (1): 287-320.

Gounopoulos, D. (2004). *Accuracy of Management Earnings Forecasts in IPO Prospectuses: Evidence from Athens Stock Exchange*. Working Paper, University of Surrey: United Kingdom.

Hansen, G. and Noe, C. (1998). *Do Managers Accrual Decisions Speak Louder Than Words?* Working Paper, Pennsylvania State University.

Hassell, J., Jennings, R., Lasser, D. (1988). Management earning forecast: Their usefulness as a source of firm specific information to security analysts. *Journal of financial research*, 11(4): 303-319.

- Hui, K.W., Matsunaga, S., Morse, D. (2009). The impact of conservatism on management earnings forecasts. *Journal of accounting and economics*, 47 (3):192-207.
- Jaggi, B. and Xin, H. (2013). *accounting conservatism and informative management earnings forecasts*. Electronic copy available at: <http://www.ssrn.com/abstract=2151029>.
- Jennings, R. (1987). Unsystematic security price movements, management earnings forecasts, and revisions in consensus analyst earnings forecasts. *Journal of Accounting research*, 25 (1): 90-110.
- Laffond, R. and Watts, R.L. (2008). The Information Role of Conservatism. *The Accounting Review*, 83 (2): 447-478.
- Li, Z. (2008). *Accounting conservatism and managers' forecasting behavior*. Working Paper, Southern Methodist University, available from: www.ssrn.com
- Qiang, X. (2007). The effects of contracting, litigation, regulation, and tax costs on conditional and unconditional conservatism: cross-sectional evidence at the firm level. *The Accounting Review*, 82 (3): 759-796.
- Brouwer, R. (2007) *Accounting conservatism in Europe*. Insights in the Degree of Balance Sheet Conservatism and Earnings Conservatism in Financial Statements of European Companies during the Period 1991-2005. [online] (Cited 20 June 2011) available from: www.ssrn.com.
- Roychowdhury, S. (2010). Discussion of: Acquisition profitability and timely loss recognition. By J. Francis and X. Martin. *Journal of Accounting and Economics*, 49 (2): 179-183.
- Skinner, D.J. (1994). Why Firms Voluntarily Disclose Bad-News. *Journal of Accounting Research*, 32(1): 38-60.
- Stocken, P. (2000). *The credibility of Voluntary Disclosure Unpublished*. Working Paper, University of Pennsylvania, available from: www.ssrn.com
- Watts, R.L. (2002). *Conservatism in Accounting*. Working Paper. University of Rochester, available from: www.ssrn.com
- Watts, R. (2003). Conservatism in accounting, Part I: Explanations and implications. *Accounting Horizons*, 17 (3): 207-221.
- Williams, P. (1996). The relation between a prior earnings forecasts by management and analyst response to a current management forecast. *The Accounting Review*, 1 (71): 103-113.